كرونا و آشنايي‌زدايي از آموزشگري در آموزش‌عالي

محمود مهرمحمدي[[1]](#footnote-1)\*

معتقدم آموزش‌عالی ما در بُعد شیوه‌های آموزش و پداگوژی دچار رکود و سکونی مزمن از حیث نوآوری شده است که می‌توان به آن برهوت نوآوری در آموزش یا خواب زمستانی آموزش اطلاق کرد.

کرونا چه کرد؟ دو کار مهم

* نخست، هشیاری نسبت به اصل کارکرد آموزشی: رویداد کرونا بر این تصور خط بطلان کشید که: «با روشن نگاه داشتن مشعل ترویج دانش از طریق آموزش، مشعل دانشگاه نسل اول روشن نگاه داشته می‌شود، تصویری از دانشگاه که البته متعلق به گذشته و یک پدیده اناکرونیک و بدون توجیه در زمان حاضر است!!! لذا باید با گذر از این تصویر به استقبال دانشگاه‌های نسل دوم و سوم و چه بسا چهارم برویم!!!.» احتمالاً این تصور غلط در شکل‌گیری برهوت نوآوری در فرآیندهای یاددهی یادگیری نقش داشته است. تصوری که با شیوع ویروس کرونا نسبت به بطلان آن نوعی «خودآگاهی جهانی» پدید آمد و به این نتیجه رسیدیم که: «آموزش با دانشگاه عجین است و دانشگاه بدون آموزش، دانشگاه نیست.»
* دوم: هشیاری نسبت به ماهیت آموختنی آموزش و ضرورت اهتمام نسبت به ارتقاء کیفیت آن: این نکته در بحث حاضر کانون اصلی توجه من است

مشاهدات نگارنده نشان می‌دهد در طی سالیان طولانی، تدریس دانشگاهی هرگز مختارانه و داوطلبانه به سمت برهوت‌زدایی حرکت نکرده و وصف برهوتی آن پابرجا مانده است. کرونا مانند ابر بهاری بر این وادی خشک بارید و در نتیجه اندک غنچه‌های تغییر و نوآوری در آن رویید.

واقعیت این است که شوک کرونا سبب شد وجه پرابلماتیک آموزشگری (سهل و آشنا پنداشته شدن کنش آموزش) در آموزش‌عالی رخ بنماید و از امر آموزشگری آشنایی‌زدایی شود! ناگهان آموزش چون یک امر غریب و ناآشنا خودنمایی کرد و آموزشگران در دانشگاه را با چالش و استرس مواجه ساخت!

این وجه پرابلماتیک، همان غیراکتسابی تلقی‌شدن آموزشگری نزد عموم استادان و حتی سیاستگذاران آموزش‌عالی است. برپایه این نگاه غالب، صلاحیت آموزشگری همان پدیده‌ای است که گویی هم‌آیند و هم‌زاد بی‌بها و هزینه شایستگی «پژوهشگری» است‌ که البته برای کسب آن باید بسیار بها پرداخت و هزینه کرد(چه مادی و چه معنوی). ولی گویی با کسب صلاحیت پژوهشگری در رشته‌ای خاص، قابلیت آموزشگری نیز به پاس تلاش‌های مربوط در آن عرصه، رایگان به فرد اعطاء می‌شود!. شبیه یک اشانتیون یا دستخوش در عالم کسب‌وکار. گویا قابلیت آموزش در عالم آکادمی حکم همان اشانتیون در عالم کسب‌و‌کار را دارد!!! که به پژوهشگران عرصه‌های دانشی، به‌طور طبیعی اعطا می شود.

متخصصان آموزش هرچه تلاش می‌کردند آموزش را به‌مثابه یک امر تخصصی به استادان معرفی نمایند که تحصیل و کسب مهارت و قابلیت در آن نیازمند تلاش سیستماتیک است و خود به خود به‌دست نمی‌آید، راه به جایی نمی‌بردند. چون عموم استادان قائل به صبغه تخصصی برای آموزش نبودند و اموزشگری را فاقد بعد تخصصی (دانشی و مهارتی) می‌دانستند.

اما کاری که از عهده متخصصان حوزه آموزش بر نیامد از عهده شوک کرونا برآمد! استادان ناگهان با تمام وجود با واقعیتی مواجه شدند که با پیش‌فرض‌آنان درباره آموزش و آموزشگری تطبیق نمی‌کرد. این پیش فرض چه بود؟

«می‌دانیم (دانش تخصصی)، پس می‌توانیم (جریان آموزش را به نیکویی هدایت و مدیریت کنیم)»

سخنرانی می‌کنیم و هدف‌های مورد نظر درس و رشته به‌دست می‌آید.

اکنون امکان حضور در کلاس درس و ارائه مستقیم بحث و درس از استادان دانشگاهی سلب شده و گویی کرونا یگانه سلاح‌شان در عرصه آموزش را ازآن‌ها ربوده است. لذا باید مهارت‌هایی را کسب می‌کردند تا بتوانند از عهده وضعیت حادث‌شده برآیند و آموزش را به جبر زمانه با تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات درآمیزند.

کرونا با اقتضائات خاص خودش شاید برای نخستین بار ناتوانی در آموزش را به رخ بسیاری از استادان دانشگاهی کشید و لزوم کسب دانش و مهارت در این زمینه را مطرح کرد و به آن موضوعیت بخشید. این امر البته استرس‌های خاص خودش را هم به‌همراه داشت که این هم یک تجربه تازه و بی‌سابقه برای اکثر استادان بود.

گرچه، برهوت‌زدایی از عرصه آموزشگری آموزش‌عالی تنها در گرو این اتفاق نیست، اما آموزش مبتنی بر وب، به‌صورت برخط یا نابرخط، می‌تواند حکم «تلنگری» را داشته باشد که سبب هوشیاری استادان نسبت به ضرورت کسب مهارت و قابلیت ویژه آموزشگری شده و لازم است این هوشیاری به توجه جدی‌تر به سایر ایده‌ها و دستاوردهای متنوع و گسترده دانش در حوزه یاددهی یادگیری نیز کشانده شود.

بله، آنچه اتفاق افتاد را باید صرفاً یک شروع مبارک و مغتنم ارزیابی کرد که تنها قطعه‌ای از پازل چندین و چند تکه کسب قابلیت آموزشگری در آموزش‌عالی را شامل می‌شود. یعنی کاربرد تکنولوژی آنلاین و افلاین برای آزاد کردن تمام و کمال (صد در صدی) فرآیند یاددهی یادگیری از قید مکان و حضور فیزیکی.

توضیح بیشتر این که اتفاق دوره کرونا در واقع تنها بخشی از یک «پرونده» و آنهم «پرونده» ورود تکنولوژی به عرصه ایجاد تحول در آموزش و بهبود کیفیت تدریس است (که شاید جز در موارد بحران و اضطرار بهترین گزینه هم نباشد). بلکه تحول در آموزش و ایفای نوآورانه و مسئولانه نقش آموزشگری به‌عنوان یک عضو هیأت علمی، شامل «پرونده‌های» متعدد دیگری می‌شود که چه بسا وابستگی اینچنینی به اینترنت و محتوای الکترونیک نیز نداشته باشد. منظور امکان رجوع به انبوهی از استراتژی‌های تدریس است که می‌تواند فضای درس و بحث را متحول و شاد و فعال کند و از خمودگی ناشی از ارائه سخنرانی (lecturing) یا استاد محوری رهایی می‌بخشد اما در آنها یا نشانی از تکنولوژی دیجیتال نیست یا کاملاً در حاشیه است. مواردی نظیر بازی گونه ساختن غیر دیجیتال درس، حل مسأله در قالب گروه‌های کوچک، تدریس تیمی، تدریس مبتنی بر پورتفولیوی دانشجویان، تدریس مبتنی بر آموزش دانشجویان به یکدیگر و...، که با جستجو در اینترنت می‌توان موارد بیشتری از این دست را شناسایی کرد.

تازه، چشم‌انداز دلربا تر از برهوت زدایی هم در قالب آموزش پژوهی (دانشگاه آموزش پژوه و استاد آموزش پژوه) جلوه‌گر می‌شود که براساس آن استادان رشته‌های مختلف علاوه‌بر «مصرف» دانش تخصصی آموزش، برای ایفای کارآمدتر نقش آموزشی خود، دست به‌کار اجرای پژوهش در کلاس درس و «تولید» دانش آموزش در رشته خود نیز می‌شوند‌.

بهرحال رویدادکرونا سبب شد کار تحول در آموزش‌عالی، از این «پرونده» (ورود تکنولوژی به عرصه ایجاد تحول در آموزش و بهبود کیفیت تدریس) آغاز شود و البته در همین پرونده نیاز به کار سیستماتیک اعم از برگزاری کارگاه‌ها و دسترسی به منابع راهنما داریم تا بتوانیم ورود عجولانه و ناگهانی کنونی را که قطعاً معرف به‌کارگیری حرفه‌ای و استفاده حداکثری از زیرساخت‌های برگزاری کلاس مجازی نیست، را به سطح مطلوب برسانیم.

تابستان ۹۹ بهترین فرصت برای تدارک جنین اتفاقاتی است. چرا که علاوه‌بر ارزشمندی بالذات آن به‌عنوان یک شایستگی آموزشگری، بعید نیست دنیا و ایران با منع تشکیل کلاس‌های حضوری در نیمسال بعد هم مواجه باشد و در اینصورت انتظار می‌رود کلاس‌های مجازی با مهارت و چیرگی بیشتری به اجرا گذاشته شوند. به‌ویژه این که با استفاده از ظرفیت متنوع پلتفرم‌های آموزش مجازی، کلاس‌های مجازی را از استاد محوری یا ادامه lecturing خلاصی بخشیم. همچنین ارزشیابی و آزمون را باید به‌گونه متفاوتی فهم و عملیاتی کنیم که با فضای مجازی و دسترسی دانشجویان به همه منابع سازگاری داشته باشد. مثلاً استفاده از digital portfolio می‌تواند در همه سطوح و دوره‌های آموزشی مورد تأکید قرار گیرد.

پایان بخش بحث: در جهان آینده شاید بتوان از سال ۲۰۲۰ و نشانگر بارز آن که همان کروناست به‌عنوان نقطه عزیمت در اتفاقی شگرف در آموزش‌عالی یاد کرد. مشروط به این که با بازگشت به شرایط طبیعی میراث ارجمند دوران کرونا‌زده را از خاطر نبردیم و به وضعیت برهوتی مالوف در آموزش عالی بازگشت نکنیم.

با بازگشت شرایط پس از کرونا، لازم است با اتخاذ سیاست‌های مناسب و با پاسداشت تجربه این دوره از بذرهای کاشته شده محافظت شود تا خشک و نابود نشوند. امید آنکه وضعیت برهوتی آموزش‌عالی کشور ما با تعقیب اتفاقات تکمیلی در سه گام به سبزی و آبادانی بدل شود:

* اهتمام به ارتقاء سطح به‌کارگیری تکنولوژی آنلاین و افلاین و استفاده کارامدتر از آن.
* اهتمام به شناخت و کاربرد روش‌های تحول‌آفرین آموزش که ضرورتاً متکی به تکنولوژی نیستند.
* اهتمام نسبت به چشم انداز آموزش پژوهی و تبدیل دانشگاه به دانشگاه آموزش پژوه.

1. \* استاد مطالعات برنامه درسی وآموزش ؛دانشگاه تربیت مدرس [↑](#footnote-ref-1)